

به نام خدا



امید کوچولو



امید کوچولو
نویسنده / افسانه میرابی
تصویرسازی / بیتا افخمی گلی
صفحه آرایی / حمیده ساعتچی
طرح جلد / فهیمه آهنگران
شمارگان / ۱۰۰۰ نسخه ی خشتی
چاپ یکم / تابستان
چاپ و صحافی / شایسته
بها / ریال
شابک / ۲-۴۶-۶۸۳۹-۶۰۰-۹۷۸
نشر شایسته گستر



یکی بود یکی نبود، زیر گنبد کبود یه پسری با پدر و مادر و
خواهر کوچولوش زندگی می‌کرد که اسمش امید بود. امید
کوچولو یه خرس خیلی خوشگل داشت که اسمش رو گذاشته
بود قرمزی و خیلی دوستش داشت. همیشه موقع خواب
قرمزی رو بغلش می‌گرفت و توی تختش با هم می‌خوابیدن.
امید کوچولو یه عادت بدی داشت، وقتی که با ماما و بابا
بیرون می‌رفت به جای این که پوست شکلات و بیسکویت
و... رو بندازه توی سطل آشغال اونارو تو کوچه و خیابون پرت
می‌کرد. ماما و بابای امید کوچولو از این کارش خیلی ناراحت
بودن و همیشه به اون می‌گفتن که: امید جان، خیابون و
کوچه هم عین خونه‌ی خودمونه و باید همیشه اونو تمیز
نگه داریم، اما امید هیچ وقت حرف ماما و بابارو گوش
نمی‌کرد.



